

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

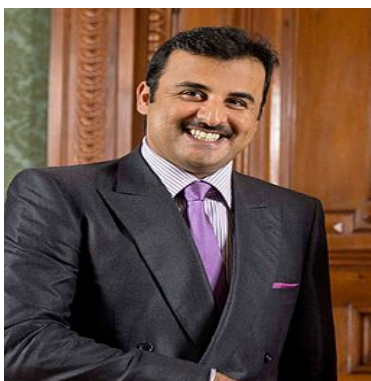
Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۲ جون ۲۰۱۷

چرا قطر؟



"تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی" امیر قطر با دو چهره

شرق میانه طور خطرناکی به سوی بحران‌ات سیاسی و نظامی روان است. استعمار غرب در تکاپوست تا کشور های اسلامی شرق میانه را به جان هم اندازد و تمدن آنها را از بنیاد نابود سازد. البته سیاست استعماری درین منطقه جهان تازگی ندارد، ولی درین اواخر نسبت به گذشته تشدید یافته است. خلق یک تعداد کشورهای شرق میانه بالاخص در حوزه خلیج فارس زاده فعل و انفعالات استعماری بوده است، لکن غرب اکنون به این طرح پسندیده نمی کند. صد در صد اطاعت و فرمانبرداری می خواهد. کمترین سرکشی را با خشونت جواب می دهد و جانب مقابل را به نابودی می کشاند. ما شاهد اضمحلال "عراق" و "لیبیا" بودیم و اکنون ویرانی "سوریه" را مشاهده می نمایم. دو بازیکن عمده در شرق میانه یعنی "عربستان سعودی" و "ایران" شریک جرم اند. هر یک برای صدور ایدئولوژی مذهبی خود سعی دارد که منطقه را به آشوب بکشاند که این خود زمینه را بیشتر برای نقش تخریبی استعمار غرب آماده می سازد. هر یک ازین دو کشور به حمایت قوای مافوق و ماورای منطقه ئی محتاج اند.

به تاریخ ۹ می، "دونالد ترامپ" رئیس جمهور امریکا در حضور رئیس جمهور رومانیا در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که "قطر باید ایدئولوژی افراطی خود را به سرعت کنار بسازد تا بتواند در پهلوی سایر کشورهای منطقه قرار گیرد و همکاری نماید". "ترامپ" "قطر" را در سطح عالی طبقه حاکم این کشور در تمویل تروریسم

متهم ساخت. بایست یاد آور شد که "قطر" از زمره سه کشور شرق میانه نیست که از جانب امریکا در قطار کشورهای حامی تروریسم شناخته شده اند. امریکا قبلاً ایران، سوریه و سودان را پرورش دهنده تروریسم معرفی کرده است. اتهام "ترمپ" به "قطر" در حمایت از تروریسم کاملاً با پالیسی امریکا در قبال این کشور در تقابل قرار می گیرد. در حقیقت، لهجه تند "ترمپ" بعد از سفرش به عربستان شکل گرفته است. قراردادهایی که بین امریکا و عربستان سعودی منعقد شد، نشان داد که هر دو کشور در داد و گرفت سیاسی، اقتصادی و نظامی موافقه کرده اند. کمک ۴۶۰ میلیارد دلاری نظامی امریکا به عربستان که صرف ۱۱۰ میلیارد آن امسال به مصرف می رسد، برای کارخانه جات اسلحه سازی امریکا ثروت ایجاد می کند و تعداد کثیری از بیکاران امریکائی را جذب می نماید. در مقابل، فامیل اهل سعود از امریکا تعهد گرفته است که این کشور را در رویارویی با ایران و کشورهای متحد آن حمایت نماید. قطر با وجودی که متحد سیاسی و نظامی نظام آخندی ایران نیست، ولی روابط سیاسی و تجارتي با این کشور دارد و در بحران یمن و سوریه بسته و گریخته جانب ایران را گرفته است. بنابراین، از نگاه ریاض که قطر از به اصطلاح "روش متحد عربی" سرپیچی می کند و رهبری "آل سعود" را نمی پذیرد، باید مجازات شود تا دوباره به خط "ریاض" برگردد و از سیاست خارجی مستقل بپرهیزد. عربستان سعودی همچنان قطر را متهم ساخته است که از تروریسم و تروریست ها پشتیبانی می کند و ازینرو مستحق هر گونه مجازات است. کشور ها عربی خلیج تحت رهبری "ریاض" با فشار و تهدید با "قطر" قطع روابط دیپلماتیک نموده و این کشور را در محاصره اقتصادی قرار داده اند. "ترمپ" از موقف کشور های عربی در قبال "قطر" حمایت خود را به صراحت اعلام نموده است.

برای کاستن تشنج و اصلاح ثقل روحیه حرف های "ترمپ"، "تیلرسن" وزیر خارجه امریکا با وجود تائید موقف عربستان، با متن دیگری اما تهدید آمیز صحبت نمود. "تیلرسن" و مقامات وزارت دفاع امریکا در مورد محاصره اقتصادی قطر از جانب عربستان سعودی و شرکاء اظهار نارضایتی کردند، البته نه به خاطر قطر بلکه هراس از اینکه سرنوشت مرکز نظامی امریکا درین کشور که ۱۱ هزار عسکر امریکائی را در خود جا داده است، چه خواهد شد. این مرکز نظامی تخته خیز تجاوزات نظامی امریکا در شرق میانه است که از دست دادن آن برای امریکا بسیار گران تمام خواهد شد. "تیلرسن" ظاهراً گفت که "محاصره اقتصادی قطر از نگاه انسانی صدمات جبران ناپذیر وارد می کند و برای مدت طولانی، عملیات ضد داعش را صدمه می زند". امریکا به صدمات بشری محاصره قطر علاقه مندی ندارد، بلکه ترس ازین است که این کشور برای جبران خساره کاملاً به ایران و ترکیه روی آورد که برای امریکا و عربستان بسیار دردناک خواهد بود. معلوم نیست که طبقه حاکم کنونی قطر تا کجا می تواند مقاومت نماید و تا چه اندازه خواهد توانست خود را از خطر انهدام نجات دهد. در صورت ضرورت، مرکز نظامی امریکا در قطر به آسانی قادر خواهد بود که نظام "سرکش" کنونی این کشور را منهدم نماید و شخص مورد نظر خود را در "دوحه" بر اریکه قدرت نصب نماید. چنانچه نسبت سیاست نیمه مستقل قطر، عربستان و امریکا "حمد بن خلیفه آل ثانی" را در سال ۲۰۱۳ از قدرت پائین کشیدند و پسرش "تمیم بن حمد بن آل ثانی" را به جایش نصب نمودند. با این تغییر، تشنج متداوم عربستان و قطر که سیاسی، خانوادگی و ارضی هم است، قسماً کاهش یافت، اما کاملاً مرتفع نگردید. بایست یاد آور شوم که نظام سیاسی قطر نه انقلابی است و نه مردمی که عربستان و امریکا از آن هراسی داشته باشند تا مبدا این کشور انقلاب خود را صادر نماید و کشورهای منطقه را بی ثبات بسازد. قطر یک امارت نشین ارتجاعی است که زمانی تحت حمایت "برتانیه" بود. کشمکش های درونی میان

کشور های مخلوق استعمار یک امر طبیعی است که ما مثال های آن را در سایر مناطق جهان مشاهده کرده می توانیم.

پس چرا قطر؟

۱. عربستان سعودی می خواهد که من حیث یک کشور مقتدر در شرق میانه و خصوصاً حوزه خلیج تبارز نموده و متوقع است که همه امرای کشور های خلیج از ریاض اطاعت نمایند. روش نیمه مستقل قطر به ارتباط بحران سوریه، یمن و تماس با تهران برای "ریاض" و متحدین آن قابل پذیرش نیست. سفر "ترمپ" به "عربستان"، به "آل سعود" این اطمینان را بخشید که امریکا در رویارویی با ایران و هر کشور متحدش، جانب عربستان را خواهد گرفت. با استفاده از وعده های "ترمپ" و اطمینان از حمایت این کشور، فشار "عربستان" بر "قطر" افزایش یافته و به شکل کنونی در آمده است.

۲. "عربستان" می خواهد که نشرات شبکه تلویزیونی "الجزیره" که مرکزش در "دوحه" پایتخت "قطر" است، باید متوقف شود و یا این که از انتقاد خود از نظام های فاسد شرق میانه به شمول "آل سعود" خودداری ورزد. تلویزیون "الجزیره" که در امریکا هم نشرات داشت، وحشت تجاوز امریکا به افغانستان و عراق را طوری که اتفاق می افتاد منتشر می کرد که تحمل این نوع نشرات برای امریکا ناممکن گردید. روی همین دلیل، امریکا دفتر "الجزیره" را در کابل و بغداد بمباران نمود و شاخه "الجزیره" را در امریکا بست. اکنون یکی از تقاضاهای عربستان این است که "الجزیره" به کلی مسدود گردد و یا این که تغییر روش دهد.

۳. عربستان سعودی می خواهد که قطر از حمایت خود از جریانات اسلامی مخالف ریاض مانند "اخوان المسلمین" مصر و حماس دست بردارد. ریاض تحمل هیچ جریان سیاسی و مذهبی مستقل را که منتقد "آل سعود" باشد، ندارد و آن را خطری برای حاکمیت خود در منطقه و جهان اسلام می داند. در جریان بحران مصر، قطر از حاکمیت "اخوان المسلمین" مصر پشتیبانی نمود و کودتای السیسی را محکوم کرد. اکنون مصر هم در تقابل با ریاض و دوحه، جانب ریاض را گرفته است.

۴. یکی از خواست های ریاض از قطر قطع روابط سیاسی این کشور با ایران است. ایران و عربستان در یمن و سوریه و سایر کشور های شرق میانه در کشمکش سنی و شیعه قرار دارند. ریاض می خواهد که همه کشور های سنی مذهب از "آل سعود" پیروی نمایند. قطر از روی اجبار سیاسی نه مذهبی که بتواند کمی از فشار عربستان سعودی فرار نماید، به سوی تهران و انقره رو آورده است. کمک قطر به سازمان های تروریستی که صرف یک اتهام است، برای عربستان یک بهانه است. بحران روز های اخیر در منطقه، کشور های قطر، ایران و ترکیه را در یک صف واحد قرار داده است. تهران و انقره هر دو همکاری خود را با قطر اعلام کردند تا این کشور بتواند از محاصره عربستان و کشور های خلیج پیرو ریاض قسماً نجات یابد.

این را هم باید بدانیم که توانائی نظامی و اقتصادی ایران و ترکیه بسیار محدود است و هم بعد مصافه میان این سه کشور اجازه نخواهد داد که برای مدت طولانی قطر را در حمایت خود داشته باشند. همچنان روابط ترکیه و امریکا مورد سؤال قرار خواهد گرفت، بالاخص این که ترکیه من حیث یک عضو مهم ناتو در شرق میانه و اروپا تلقی می شود. سؤال درین جاست که در صورت تشدید بحران، آیا امریکا از ترکیه حمایت خواهد کرد و یا این که به سوی عربستان سعودی گرایش نشان خواهد داد؟ برتری یکی بر

دیگری، واشنگتن را در تنگنای بزرگ سیاسی قرار خواهد داد. باید یاد آور شوم که روسیه در حال کنونی ناظر اوضاع است و آرزو ندارد که روابط حساسش را با ریاض به ارتباط قطر برهم بزند. قطر در تلک سیاسی خطرناکی گیر افتاده است که رهائی از آن نهایت درجه مهارت و بصیرت می خواهد. تصور من اینست که طبقه حاکم قطر سرانجام تسلیم خواهد شد و خواست های غیر مشروع و غیر حقوقی عربستان و امریکا را برآورده خواهد ساخت، در غیر آن تغییر سلطان مانند سال ۲۰۱۳ بار دیگر در قطر حتمی خواهد شد.